

روحیه ملی

کشور ژاپن به لحاظ منابع طبیعی، مواد معدنی و ثروت‌های طبیعی از فقیرترین کشورهای جهان به شمار می‌آید. از ژاپن پس از پایان جنگ جهانی دوم به دلیل شکست در جنگ و بمباران اتمی دو شهر ناگازاکی و هیروشیما، خرابه‌ای بیش از دو میلیون نفر قربانی شدند، حدود ۴۰ درصد شهرها به ویرانه مبدل گردید. تاسیسات صنعتی و تولیدی تخریب و نابود شد، مزارع سوخت، سر رشته کشت و زرع و کار و تولید از هم گسیخت، اقتصاد کشور فلج شد و سرانجام چیزی جز سرزمینی ویران و مردمی بی‌کار و گرسنه بر جای نماند. با این همه مردم ژاپن، خیلی زود بر بهت و گیجی خود فایق آمدند و با عزمی ملی شروع به خودسازی و نوسازی کشور کردند. زمانی که شیشه اکثر منازل به دلیل بمباران شکسته بود، تا زمانی که تولید ملی شیشه در ژاپن بازسازی شد، مردم از مصرف شیشه وارداتی خودداری کردند و در سرمای زمستان پنجره‌های خود را با کاغذ پوشاندند. چنین روحیه ملی باعث شد، در آمد سرانه ژاپنی‌ها که بعد از اتمام جنگ دوم ۲۰ دلار بود، ظرف ده سال به ۳۰۰ دلار رسید و در سال جاری در آمد سرانه ژاپنی‌ها چهل و یک هزار و نهصد دلار است. اکنون ژاپن یکی از چند کشور ثروتمند دنیا است، چندان که در سال گذشته صادرات آن بالغ بر ۸۰۰ میلیارد دلار بود.

سرانجام ثبت نام دور دوم یارانه‌ها به پایان رسید. در این دوره با تمام تبلیغاتی که انجام شد فقط ۶ درصد مردم، دولطلبانه از ثبت نام خودداری کردند. البته هرگز معلوم نشد چرا در دوره قبل، تعداد کسانی که درخواست یارانه نمودند، از کل جمعیت شناسنامه دار ایران بیشتر بود. با توجه به این که لاقل ۴ میلیون ایرانی مقیم خارج از کشور هستند و عده‌ای نیز ثبت نام نکردند! با واقعاً ۹۴ درصد مردم ایران نیازمند یارانه هستند؟ در تعطیلات نوروز امسال مصرف روزانه بنزین مرز ۱۰۰ میلیون لیتر را پشت سر گذاشت. ۹ میلیون و پانصد هزار نفر برای تعطیلات به قصد ویلا یا پارک تانمان شخصی خود مسافرت کردند. ۱۳ میلیون نفر نیز ویلا یا پارک تانمان اجاره نمودند. نزدیک ۳ میلیون نفر هم به سفر خارج از کشور رفتند. آیا این نشانه‌ها دلالت بر نیاز ۹۴ درصدی مردم دارد؟

به نظر می‌رسد لاقل ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور بدون دریافت یارانه، هیچ صدمه‌ای نمی‌بینند. آیا کسانی که بدون نیاز واقعی اقدام به گرفتن یارانه می‌نمایند، نمی‌دانند در شرایط فعلی که فروش

نفت، تولیدات ملی، صادرات و تورسم بین‌المللی به شدت کاهش پیدا کرده، دولت برای پرداخت این حجم یارانه، چاره‌ای به جز چاپ اسکناس ندارد، که نتیجه آن افزایش نقدینگی و تورم خواهد شد. تورمی که در اول دوره قبل با مبلغ یارانه می‌شد ۲/۵ کیلو گوشت گوسفندی خرید در حالی که امروز این مقدار به ۱/۵ کیلو تقلیل یافته و معلوم نیست سال آینده چه سرنوشتی خواهد داشت. اگر بخواهیم کنش‌های اجتماعی را بررسی کنیم دلایل زیادی در آن نقش دارند، ولی به نظر می‌رسد اصلی‌ترین آن عدم تعهد اغلب مردم به منافع عمومی جامعه است. چیزی که در ژاپنی‌ها وجود داشت و باعث پیشرفت شان شد. متأسفانه اکثر ایرانیان بیشترین منفعت را از اجتماع طلب می‌کنند، ولی تعهدشان به اجتماع در حد شعار باقی می‌ماند و در عمل هر کسی به فکر منافع شخصی خویش است. دیدیم در مصاحبه‌های صدا و سیما ۹۰ درصد مردم می‌گفتند از گرفتن یارانه انصراف خواهند داد، ولی در عمل فقط ۶ درصد بقولشان عمل کردند. البته زمانی که هر روز خبر از یک اختلاس چند میلیاردی به گوش می‌رسد، هر فرد با خود فکر می‌کند چرا من باید از حق خود بگذرم؟ به نظر می‌رسد دلیل این کنش اجتماعی ریشه در گذشته داشته باشد، زمانی که درآمد نفت چشمگیر بود، مدیران مملکت مردم را متوجه کردند که نقش کوچکی در اقتصاد کشور دارند و دولت خودش بهترین تاجر و صنعت‌گر و اقتصاددان است، تازه سهم مردم را به صورت سوبسید و یارانه و انواع کمک‌های دولتی سر سفره آنها خواهد آورد. دیگر بهتر است باور کنیم، بدون خواست آحاد مردم بازسازی و توسعه اقتصادی امکان‌پذیر نیست. برای جلب همکاری عمومی، دولت باید قبل از هر چیز واقعیت‌های تلخ اقتصادی کشور را بدون پرده پوشی با مردم در میان بگذارد. مردم نیز باید به وضع اقتصادی کشور، مانند اقتصاد خانواده خود بیاندیشند و رفتار خود را در زمینه تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، با منافع کلی کشور هم‌آهنگ نمایند.

امسال بیش از ۵۰۰ شهر کشور در معرض تنش آبی قرار دارد. اگر مسئولین فکر می‌کنند تنها با پند و اندرز و یا حتی تهدید به جیره‌بندی و کم کردن فشار آب، می‌توانند مردم را وادار به ۲۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف آب کنند، بهتر است نیم‌نگاهی به امارات صرف از ثبت نام یارانه بیاندازند. حتی اگر دیدند در مصاحبه‌های تلویزیونی ۱۰۰ درصد مردم قول صرفه‌جویی را می‌دهند، باور نکنند. سال‌ها است که مدیران آب کشور با فشار آوردن به ذخایر آب زیرزمینی به هر شکل شده آب را برای مردم فراهم کرده‌اند و دلیلی وجود ندارد تا مردم این بار موضوع را جدی بگیرند. بهتر بود در سال‌های گذشته گزارش دقیق از شرایط به مردم داده می‌شد و با آموزش و ترویج راه‌های مصرف بهینه، مانند بالابردن راندمان کشاورزی، محدود کردن سطح زیر کشت، رواج وسایل کاهنده مصرف، فرهنگ‌سازی علمی، جلوگیری از ساخت بی‌رویه سد که باعث تبخیر زیاد آب و به هم ریختن اکوسیستم‌ها شده و بسیاری کارهای زیربنایی دیگر، مشکل را کنترل می‌کردند. امروزه مردم ۳۰۰ لیتر مصرف سرانه را حق خود می‌دانند و اگر بنا باشد صرفه‌جویی انجام شود هر کس با خود می‌گوید چرا فقط من صرفه‌جویی کنم در حالی که دیگران مشغول مصرف بی‌رویه آب هستند؟ برای کاستن از مصرف آب نباید به روش‌های کهنه و نا پایدار اکتفا کرد. روش‌های موثری هم وجود دارد که با کمک مردم و کارشناسان مستقل، می‌توان آنها را به کار بست.

ش.ب

همه در خدمت روش‌های سازگار با محیط زیست (قسمت دوم)



کودکان مهم‌ترین آدم‌های جهان هستند و از همه بیشتر آسیب‌پذیرند. حالا باید ببینیم یک شرکت تجارت برای پشتیبانی کیفیت بهتر زندگی و حفاظت از حقوق کودکان چه عملی انجام می‌دهد؟ بسیاری از رهبران تجاری دنیا فکر می‌کنند کاری از دست تجارت آنها برای بچه‌ها ساخته نیست، ولی ما تصمیم گرفتیم تحقیق کنیم و سوالات سختی از خودمان و کسانی که بیشتر از ما می‌دانند بپرسیم. برای رفتن فراتر از تجارت و کمک به بهبود زندگی

در قسمت اول این سخنرانی که در سال ۲۰۱۳ در انجمن TED انجام شده دکتر استیو هاوارد Dr Steve Howard رئیس دپارتمان سازگاری با محیط زیست شرکت ایکیا چشم‌اندازهای خود از آینده سازگاری صنایع با محیط زیست را بیان کرد در صورت تمایل می‌توانید قسمت اول سخنرانی را در سایت www.kwvciran.com قسمت آرشیو ماهنامه مطالعه کنید. اکنون نظر شما را به آخرین قسمت این گفتار جلب می‌کنیم.

این فقط درباره محصولات خانه‌های مردم نیست، ما باید به مواد خامی که محصولات ما از آن تولید می‌شود، فکر کنیم. بدیهی است که بازیافت مواد دست‌آورد های فوق‌العاده‌ای هستند و ما می‌خواهیم به سمت اتلاف صفر حرکت کنیم. مثلاً درباره پنبه، متأسفانه تولید آن برای محیط زیست بسیار آلوده است، در صورتی که ماده مناسبی برای بافت پارچه است و بسیاری از مردم هم اکنون لباسی از جنس پنبه پوشیده‌اند. آفت کش‌ها، کود و آب بسیار زیادی برای تولید پنبه باید مصرف شود. در همین چند سال گذشته ما با استفاده از شیوه‌های نوین، راندمان کشت پنبه را ۶۰ درصد ارتقا داده‌ایم. بیشترین تلاش در این زمینه، به مزرعه بر می‌گردد، آنجا می‌توان میزان مصرف آب و مواد شیمیایی را بدون کاستن از تولید، نصف کرد. به این ترتیب هزینه‌های کشاورزان هم نصف می‌شود که برای شان بسیار خوش‌آیند است و آنها از فقر بیرون می‌آیند. ما امیدواریم تا سال ۲۰۱۵، راندمان تولید پنبه تا ۱۰۰ درصد بهتر شود.



گاهی اوقات مردم فکر می‌کنند رسیدن به ۱۰۰ درصد سخت است، ما این بحث را در شرکت خود داشته‌ایم. جلب است بگویم دست یافتن به ۱۰۰ درصد از ۹۰ یا ۵۰ درصد آسان‌تر است. اگر شما هدف ۹۰ درصدی دارید، در بین راه دلایلی پیدا می‌شود که به درصد‌های پایین‌تر هم قانع شوید. اما زمانی که هدف ۱۰۰ درصد است، تکلیف همه کاملاً واضح و خدشه‌ناپذیر است.

معمولاً مدیران تجاری وضوح را دوست دارند، پس امکان موفقیت بیشتر است. در مورد چوب، هنوز جنگل‌زدایی در ابعاد بسیار گسترده ادامه دارد، آنچه که در جنگل‌داری ما می‌توانیم به آن افتخار کنیم، همکاری با ده‌ها سازمان نظارت بر جنگل است. ما از سازمان‌های غیرانتفاعی، اتحادیه‌های کارگران جنگل و تجار چوب، برای ایجاد شورای نظارت بر جنگل کمک گرفتیم. آنها استانداردهایی را برای جنگل‌داری تنظیم کردند. هم‌اکنون سی و پنج میلیون هکتار جنگل در آلمان با این استاندارد بهره‌برداری می‌شود. ما تصمیم گرفته‌ایم در ۳ سال آینده، سطح برداشت مجاز را دو برابر کنیم.

ما می‌دانیم، از برق در بیست یا سی سال آینده همچنان استفاده خواهیم کرد. ما می‌دانیم خورشید همواره خواهد درخشید و در آینده باد همچنان خواهد وزید. بنابراین چرا انرژی خود را از خورشید و باد بدست نیاوریم؟ با این روش ما ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر می‌شویم. ایکیا برای همه فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها و مراکز توزیع خود، تاکنون سیصد هزار پنل خورشیدی نصب کرده و در شش کشور، چهارده مزرعه بادی آماده نموده که خودش صاحب و مجری آن است. یک پنل خورشیدی ۷ یا ۸ سال کار کرده، برق رایگان تولید می‌کند. هر کجا که خورشید بدرخشد، برق رایگان هم وجود دارد، که این روش خوبی برای جلوگیری از گرم شدن جهان است.

امروزه ما به فراتر نگاه می‌کنیم، از دهه ۹۰ در ایکیا دریافتیم ریسک حضور کودکان کار در زنجیره تولید ما وجود دارد، امروزه هشتاد بازرس در جهان داریم که همه روزه مطمئن می‌شوند کارخانجات ما از شرایط کاری خوبی برخوردار هستند و از حقوق انسانی حفاظت می‌شود. آنها باید مطمئن شوند که کودک کار در سیستم ما وجود ندارد.

امروزه شاید تنها کافی نباشد اگر بخواهیم مطمئن شویم کودکان کار در تولید ما نقشی ندارند.

کودکان، ما چه می‌توانیم انجام دهیم؟ در سال‌های اخیر ما با همکاری یونسف به زندگی کودکان کمک کرده‌ایم. ما همچنین یک موسسه خیریه داریم که متعهد شده تا سال ۲۰۱۵، به بهبود زندگی صد میلیون بچه کمک برساند.

ما کوشش کرده‌ایم که در تجارت و کار آفرینی مساوات را بین زنان و مردان رعایت کنیم. هم‌اکنون از هفده هزار مدیر ایکیا در سراسر دنیا ۴۷ درصد زن هستند، اما این کافی نیست، ما می‌خواهیم همین مقدار تفاوت را هم حذف کنیم. ما نمی‌خواهیم برای این کار ۱۰۰ سال دیگر منتظر شویم.

در این سال‌ها ما از جایی که می‌گویید «تجدیدپذیری خوب است انجام شود» به سمت «تجدیدپذیری باید انجام شود» حرکت کرده‌ایم. هر کس می‌تواند در این زمینه از خود خلاقیتی نشان دهد. مردم باید یک مصرف‌کننده فهیم باشند و با کیف پول خود رای بدهند. آنها باید تولیدکنندگانی را جستجو کنند که به محیط زیست احترام می‌گذارند. به جز ایکیا در حال حاضر تجارت‌های دیگری نیز وجود دارند که در این زمینه فعالیت می‌کنند. شما سرنوی به گوگل یا لگو بزنید، آنها می‌روند که ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر شوند و از انرژی‌های پاک استفاده کنند. آنها در همان مسیری که ما حرکت می‌کنیم گام بر می‌دارند. شرکت‌های مانند نایک، پاتاگونیا، تیمبرلند، مارکس و اسپنسر نیز با یک استراتژی واقعاً خوب در جهت تجدیدپذیری حرکت می‌کنند. من فکر نمی‌کنم هیچ کدام از این تجارت‌ها معتقد باشند کامل هستند. ما قطعاً کامل نیستیم. ما در حرکت به جلو اشتباهاتی خواهیم کرد. البته سعی می‌کنیم از تجربیات یکدیگر استفاده کنیم.

اگر شما یک مدیر تجاری هستید و تا به حال به منظور تجدیدپذیری اقدامی نکرده‌اید، من می‌خواهم به شما اصرار کنم که در این راه فعالیت کنید، ما می‌توانیم با کمک هم به ایجاد یک جهان پایدار و تجدیدپذیر دست پیدا کنیم، ما می‌توانیم تجدیدپذیری را نه به شکل تجملی و برای تعداد کمی از افراد، بلکه مقرون به صرفه و برای بسیاری از مردم ایجاد کنیم. متشکرم.



حل مشکلات مدیریت آب با رویکردی جامعه‌شناختی

آقای محمد حبوظن کارشناس ارشد رشته آب زیرزمینی، بیش از ۱۳ سال است که در دفتر برنامه‌ریزی آب و وزارت نیرو مشغول فعالیت هستند. ایشان معتقدند تا کنون به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و به طور کلی جامعه‌شناختی آب کمتر توجه شده و در مدیریت منابع آب کشور، بُعد فنی بیشتر مد نظر بوده. ایشان به تجربه در یافتن که بخشی از مشکلات کلان آب کشور تنها از راه های فنی و مهندسی قابل حل نیست، بلکه مستلزم رویکردهای میان رشته‌ای می باشد. این موضوع در کنار سایر انگیزه های شخصی موجب شد تا اقدام به ادامه تحصیل در رشته فوق لیسانس جامعه شناسی (پژوهش علوم اجتماعی) بنمایند. ایشان با توجه به داشتن سابقه در برنامه ریزی کلان آب و احاطه به مسائل جامعه شناسی، مقاله ای را برای ماهنامه KWC نگاشتند که امیدواریم در شرایط بحرانی آب کشور مفید واقع شود. در اغلب حوضه‌های آبریز کشورمان تقریباً توسعه منابع آب تا حدکثر ظرفیت موجود انجام شده است و دیگر آبی باقی نمانده که بخواهیم با احداث سازه ها آن را استحصال و مدیریت فنی کنیم تا بتوانیم مثلاً مشکل زاینده رود یا دریاچه ارومیه را حل نماییم. در حال حاضر با توجه به سرانه آب تجدیدپذیر، کشور در آستانه تنش جدی آب است و از سوی دیگر در برخی حوضه‌ها بیشتر از ظرفیت مجاز و تجدیدپذیر، طرح تعریف شده است. بنابراین باید رویکرد «توسعه منابع آب» را به رویکرد «مدیریت بهره‌براری آب» تغییر داد و از آنجایی که جوامع انسانی، بهره‌برداران آب هستند، باید با رویکردی اجتماعی، همین منابع موجود را بهینه مدیریت و مصرف کنیم.

چند ده سال است که در اسناد و اجلاس‌های بین‌المللی اشاره‌هایی به جنبه‌های اجتماعی مدیریت آب شده است. مثلاً در بیانیه‌های اجلاس مار دل پلاتا (۱۹۷۷)، دویلین (۱۹۹۲)، ریو (۱۹۹۲)، کنفرانس جهانی آب لاهه (۲۰۰۰) و اجلاس سران در ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، مواردی مانند افزایش نقش زنان در مدیریت آب، نگاه به آب به عنوان یک کالای اقتصادی، توجه به مشارکت‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی و ... مورد توجه قرار گرفته. از سوی دیگر در مقالات و متون علمی-کارشناسی زیاد تکرار می‌شود که بحران آب، بیشتر یک بحران مدیریت است تا کمبود آب. به عبارت دیگر با حکمرانی خوب در آب و داشتن نگاه جامع و به هم پیوسته و میان‌رشته‌ای، می‌توان از بحران آب جلوگیری کرد.

مشکلات آب کشور را همه کارشناسان و مسئولین می‌دانند، ولی کم‌تر این سوال مطرح شده که آیا راه‌حل‌هایی که اکثراً با نگرش فنی-مهندسی و سازه‌ای برای فائق آمدن به این مشکلات انجام شده، کافی است، یا این‌که به یک تفکر و نگرش جدید و مسیری تازه احتیاج داریم. شکاف و حلقه گمشده‌ای که بین مدیریت منابع آب و مسائل جامعه‌شناختی وجود دارد موجب گردیده بخش عمده‌ای از مشکلات و چالش‌های آبی حل نشده باقی بمانند. به عنوان مثال، اگر قرار بود با رویکرد صرفاً فنی-سازه‌ای مشکلات آب یک منطقه حل شود چرا باید در حوضه‌ای مثل زاینده‌رود که بیشترین انتقال آب از حوضه‌های دیگر به آن انجام گرفته، شاهد تنش‌های آبی و اجتماعی باشیم؟! به نظر می‌رسد، وقت آن رسیده که برای حل مشکلات آب کشور به جای پیچیدن نسخه‌های صرفاً فنی-مهندسی، پارادایم جدیدی که می‌توان آن را «مدیریت اجتماعی منابع آب» نام‌گذاری کرد، در نظام مدیریت آب کشور

وارد شود تا مسائل و مشکلات مدیریت منابع آب، با نگاهی جامعه‌شناختی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد بدون این تغییر پارادایم، مسائل و چالش‌های آبی کشور حل نخواهد شد. البته نباید این رویکرد شکل افراطی به خود بگیرد و این بار مسائل فنی و سازه‌ای به بوته فراموشی سپرده شود.

هر چند در دهه‌های گذشته مباحث اجتماعی-اقتصادی تا حدی وارد مطالعات طرح‌های توسعه منابع آب شده، ولی این مطالعات بیشتر «آمار محور» و منحصر به بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی منطقه طرح بوده و با رویکردی فنی تهیه می‌شدند و نه به صورت یک مطالعه اجتماعی عمیق و کلان‌نگر.

مشکل اینگونه مطالعات اجتماعی این است که خصلت میان‌رشته‌ای ندارند. یعنی همان مهندسی مشاوری که مطالعات فنی (هواشناسی، هیدرولوژی و منابع آب و ...) را مثلاً برای یک سد انجام می‌دهند، گزارش مطالعات اجتماعی را هم تهیه می‌کنند و چون اغلب مشاوره‌ها رویکرد توسعه‌گرا و جهت‌گیری‌شدن پروژه را دارند، نگاه آنها در مطالعات اجتماعی، نگاهی انتقادی، کیفی و عمیق نیست. مشکل دیگر این است که ارزیابی اجتماعی طرح‌های توسعه منابع آب، دقیق و قابل اعتماد نیستند و در آنها فواید طرح در قفززدایی، برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد اشتغال مولد، به صورت کلیشه‌ای و کلی بیان می‌شود. مسئله دیگر این است که مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی در سطح خرد و در حد بررسی یک گروه کوچک از افرادی که تحت تاثیر این طرح قرار می‌گیرند خلاصه می‌شود، در صورتی مسائل اجتماعی در سطح ساختارهای مدیریتی کلان باید از منظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دیده شود. به عنوان مثال آیا می‌توان مشکل و بحران دریاچه ارومیه را بدون توجه به مسائل معیشتی کشاورزان حوضه و جلب مشارکت آنها و بدون دخالت دادن سیاست‌های کلان کشاورزی حل کرد؟!

معمولاً ارتباط متقابل و معنی‌داری بین نظام مدیریت آب کشور و ساختار کلان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی آن وجود دارد و به نظر می‌رسد لاینحل باقی ماندن بخش اعظم این چالش‌ها ناشی از عدم توجه به این ارتباط متقابل و عدم بهره‌گیری از مبانی و رهیافت‌های حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی در برخورد با این مشکلات و چالش‌هاست. این ارتباط متقابل و مصادیقی که می‌توانند به عنوان فصل مشترک حوزه مدیریت آب و حوزه جامعه‌شناسی مطرح شوند،

در شکل مشخص شده.

یکی از مصادیقی که می‌تواند فصل مشترک آب و جامعه‌شناسی باشد بحث ساختار مصرف آب است. در ساختار کنونی کشور ۹۲ درصد منابع آب در بخش کشاورزی، حدود ۶/۵ درصد برای شرب و بهداشت و ۱/۵ درصد برای بخش صنعت استفاده می‌شود. یکی از



دلایل ریشه‌ای این ساختار، غالب بودن شیوه زندگی روستایی-عشایری در ایران بوده، چون تا زمانی که چندان دور بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور این شیوه را داشتند. در فرآیند توسعه و نوسازی اقتصادی-اجتماعی نیز به دلیل برخورداری کشور از اقتصاد نفتی، بورژوازی صنعتی به شکلی که در اروپا و غرب رشد کرد، در ایران امکان رشد پیدا نکرد که در نهایت عدم توسعه صنعت مولد را به دنبال داشت (بیماری هلندی). بنابراین در ساختار مصرف آب کشور سهم صنعت به حداقل و سهم بخش کشاورزی به حداکثر ممکن رسید. معمولاً ارتباط معنی‌داری بین سهم نسبی دو بخش کشاورزی و صنعت از آب مصرفی یک کشور و میزان توسعه یافتگی آن وجود دارد. در بحث جامعه‌شناسی توسعه، غالب بودن بخش کشاورزی در ساختار اقتصادی یکی از ویژگی‌های کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته شناخته می‌شود. طبق آمار بانک جهانی، در اغلب کشورهای توسعه یافته و با درآمد بالا، سهم بخش کشاورزی زیر ۵۰ درصد و سهم صنعت عموماً بیشتر از ۴۰ درصد است. بر عکس، در کشورهای کم‌درآمد سهم بخش صنعت و کشاورزی به ترتیب به طور متوسط ۲ و ۹۰ درصد است. محاسبات نشان می‌دهد در بحث اشتغال، هر لیتر بر ثانیه آب که در بخش کشاورزی مصرف می‌شود برای یک نفر اشتغال‌زایی دارد، اما همین مقدار آب در صنعت برای ۴۰ تا ۵۰ نفر شغل ایجاد می‌کند. بنابراین، توزیع منطقی منابع آب بین مصارف مختلف و اتخاذ سیاست صحیح در بالا بردن سهم بخش صنعت می‌تواند تاثیر زیادی در فرآیند توسعه اقتصادی کشور داشته باشد.



بحث مصرف صحیح آب یکی دیگر از حوزه‌های مشترک آب و جامعه‌شناسی می‌تواند باشد. در جامعه‌شناسی مصرف، الگوی مصرف یک نوع رفتار اجتماعی بوده و ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی دارد. بر این اساس رفتار انسان‌ها در باره مصرف‌گرایی از جمله آب را نمی‌توان فقط با اهرم‌های اقتصادی کنترل کرد. به طور مثال در جامعه‌ای که یکسری مناسک فرهنگی یا دینی توسط مردم رعایت می‌شود، به یک آستانه‌ای از مصرف آب برای انجام این امور احتیاج است، لذا هر چقدر هم قیمت آب بالا برود میزان مصرف آب از آن آستانه‌ای کمتر نخواهد شد. بنابراین بحث سبک زندگی و شناخت عمیق اجتماع می‌تواند به ما کمک کند تا پدیده مصرف آب را بهتر بشناسیم و نسخه‌های مدیریتی بهتری برای آن ارائه کنیم. مسئله دیگر توهم انبوه بودن منابع است که معمولاً گریبان‌گیر مردم کشورهای نفتی می‌شود. اقتصاد نفتی این توهم را به وجود آورده که کلیه منابع فراوان هستند. میانگین استاندارد مصرف سرانه آب در جهان ۱۲۰ لیتر در شبانه‌روز تعریف شده، ولی این مقدار در تهران ۳۵۰ لیتر و در شهرهای دیگر کشورمان بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ لیتر است. این طرز فکر به مرور وارد روان‌شناسی جامعه می‌شود و به راحتی نیز قابل پاک‌شدن نیست. بنابراین جامعه‌انسانی به عنوان مصرف‌کننده آب باید با انجام مطالعات کیفی و عمیق اجتماعی، شناسایی شود تا بر اساس این شناخت بتوانیم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیحی را اعمال کنیم.

چالش‌هایی هم بر سر راه مدیریت آب هست که ریشه در جامعه شناسی دارد. یکی از این چالش‌ها پدیده بهره برداری غیر مجاز از چاه‌ها و سایر منابع آب توسط مردم است که می‌تواند به عنوان یکی دیگر از مصادیق حوزه‌های مشترک آب و جامعه‌شناسی تلقی گردد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این که دولت /وزارت نیرو از حل این معضل عاجز بوده، این است که تاکنون رویکرد حاکم صرفاً فنی-مهندسی بوده و به عنوان یک پدیده اجتماعی به آن نگاه نشده و مورد پژوهش و شناخت اجتماعی قرار نگرفته است.

با توجه به مجموعه بحث‌های بالا و روابط متقابل بین حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی و مدیریت آب، می‌توان مدل‌های مفهومی ارائه کرد که بتوانند چالش‌ها و مسائل موجود در مدیریت آب کشور را به درستی تبیین کنند. یکی از این مدل‌ها بحث «سطح سرمایه اجتماعی» است. با توجه به کارکرد این مفهوم اجتماعی در جامعه، انتظار می‌رود چنانچه در یک جامعه سطح سرمایه اجتماعی بالا باشد، حتی اگر فقر آبی وجود داشته باشد، تنش‌ها و بحران‌های ناشی از کمبود آب کمتر بروز نماید. مدیریت صحیح و پایدار آب و حل مشکلات اجتماعی ناشی از کم‌آبی، به سطح بالایی از مشارکت، انسجام و اعتماد مردم به یکدیگر، همچنین اعتماد مردم به نهادهای دولتی و بالعکس نیاز دارد که همگی نشانه‌هایی از وجود سرمایه اجتماعی در یک جامعه هستند. به عنوان مثال، حوضه آبریز زاینده‌رود را در نظر بگیریم. از نظر رویکرد سازه‌ای و فیزیکی، بیشترین انتقال آب از حوضه‌های مجاور به این حوضه انجام گرفته است، به گونه‌ای که تونل‌های کوهرنگ ۱ و ۲ و چشمه لنگان مجموعاً با حجمی بالغ بر ۶۰۰ میلیون متر مکعب در سال در حال بهره‌برداری است و طرح‌های تونل کوهرنگ ۳ و بهشت آباد به ترتیب در حال اجرا و مطالعه هستند. اگر قرار بود مدیریت فنی-مهندسی و سازه‌ای مشکل را حل کند قاعدتاً نباید امروز تنش آبی و اجتماعی در این حوزه می‌داشتیم در حالی که بیشترین تنش در همین حوضه است و در سال گذشته ناآرامی‌هایی بر سر کمبود آب در منطقه اتفاق افتاد. این جاست که به نظر می‌رسد عامل دیگری غیر از عوامل فیزیکی و فنی باید در مدیریت آب وارد شود. اگر سرمایه اجتماعی در منطقه‌ای بالا باشد مردم به راحتی به یکدیگر و به دولت اعتماد می‌کنند و با کمک کردن به

هم از ظرفیت‌ها و منابع موجود به بهترین شکل استفاده می‌کنند به شکلی که کم‌ترین تنش و تضاد به وجود آید. اما اگر سطح این سرمایه پایین باشد هر چقدر آب به حوضه منتقل شود، باز هم تنش به وجود خواهد آمد. بدین ترتیب، اگر رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناختی به موضوع نداشته باشیم مشکل آب حل نخواهد شد حتی اگر آب بیشتری به یک حوضه منتقل کنیم! مثال عکس، استان یزد است که در آن با وجود اینکه کمترین بارندگی نسبت به کل کشور (حدود ۵۰ میلی‌متر در سال) را دارد، تنش‌های ناشی از کمبود آب در آن پایین است. جالب است بدانیم که در یک تحقیق اجتماعی، استان یزد از بالاترین سرمایه اجتماعی برخوردار بوده است. همچنین در همین استان کم‌ترین تعداد چاه غیر مجاز را داریم. آیا این موضوع می‌تواند با سرمایه اجتماعی بالا (حس همکاری، انسجام و اعتماد بالای مردم نسبت به یکدیگر) در ارتباط باشد؟!

مدل دیگر که بی‌ارتباط با موضوع سرمایه اجتماعی نیست، مبحث «دوراهی اجتماعی» است که در زمان بروز بحران‌ها نقش بسیار چشمگیر دارد. در مواقع کمبود فوری آب و انرژی، مصرف‌کنندگان گسیخته و مهار نشده بعضی افراد می‌توانند تاثیرات ویران‌کننده‌ای بر دسترسی به منابع برای عموم مردم داشته باشد. یکی از عوامل تاثیرگذار در رفتار افراد در این دوراهی که در آن منافع جمعی و بلندمدت در مقابل منافع فردی و آنی قرار می‌گیرد، سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر دیگر خواهی است.

مدل مفهومی دیگر، «جامعه کوتاه مدت و مدیریت کوتاه مدت» است. تصمیم‌های شتاب‌زده و کوتاه‌مدت، اعمال فشار نهادهای سیاسی اعم از دولت‌ها، نمایندگان مجلس و سایر مسئولین سیاسی در دوره مسئولیت خود بر وزارت نیرو و نظام مدیریت آب کشور برای اجرای طرح‌های فاقد توجیه و با انگیزه سیاسی (جلب رای مردم و ...)، از دیگر چالش‌های مدیریت آب کشور است. یکی از نظریه‌هایی که در ارتباط با جامعه‌شناسی تاریخی ایران ارائه شده و به نوعی می‌تواند پشتوانه نظری مناسبی برای تحلیل و تبیین این ویژگی از مدیریت آب کشور باشد، نظریه «جامعه کوتاه مدت» آقای کاتوزیان است. وی جامعه ایران را با جامعه اروپا مقایسه می‌کند و آن را بر خلاف جامعه بلندمدت اروپا، جامعه‌ای کوتاه‌مدت معرفی می‌کند؛ یعنی جامعه‌ای که در آن چشم‌انداز بلندمدتی در زندگی اجتماعی و فردی وجود ندارد و بنابراین تمامی مناسبات و برنامه‌ریزی‌ها بر اساس کوتاه‌مدت بودن جامعه شکل می‌گیرد. ارائه و تصویب «قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه» توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۹، مصوبه نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور وقت تحت عنوان «طرح توسعه بخش کشاورزی» [طرح فدک] در سال ۱۳۹۰، بسیاری از مصوبات سفرهای استانی دولت نهم و دهم، از مصادیق تصمیمات شتاب‌زده، خلق‌الساعه، تحت فشارهای سیاسی و کوتاه مدت هستند. این تصمیمات و قوانین هر چند در مبانی خود توجیه‌هایی از قبیل حمایت از معیشت مردم و ایجاد اشتغال برای افراد بیکار را دارند، اما از منظر معیارها و راهبردهای توسعه پایدار منابع آب، مغایر با اصول و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت بخش آب و گاهی مغایر با قوانین جاری کشور هستند. اخیراً با پیگیری نهادهای نظارتی، بخش مهمی از این مصوبات و قوانین با ابطال و یا تعلیق شدند. یعنی در تطبیق با خصلت جامعه کوتاه‌مدت، قوانین و مصوبات نیز خصلت

متزلزل و بی‌ثباتی دارند.

برخی از این اعمال فشارهای سیاسی که باز ناشی از نگاه کوتاه مدت به مسائل است، منجر به هدر رفت سرمایه‌های ملی می‌شود. مثلاً سدها یا طرح‌هایی تحت فشار، در مناطقی اجرا می‌شوند که از نظر کارشناسی و فنی توجیه ندارد. امروز شاهد سدهایی هستیم که آبی پشت آنها جمع نمی‌شود. نکته جالب این است، بعضی از کسانی که امروز وزارت نیرو را مسبب خشک شدن دریاچه ارومیه می‌دانند، سال‌ها قبل به شدت پیگیر احداث سدهایی در همین حوضه بودند.

یک معضل دیگر در مدیریت آب کشور، عدم وجود هماهنگی بین بخشی، در مدیریت کلان آب است. به عنوان مثال معمولاً بین وزارت نیرو و جهاد کشاورزی نوعی ناهماهنگی و بخشی‌نگری دیده می‌شود. وزارت نیرو همواره معتقد است که بخش کشاورزی بیشترین سهم را در مصرف آب دارد که بخش اعظم آن را به دلیل راندمان پایین آبیاری هدر می‌رود. از سوی دیگر جهاد کشاورزی به دنبال اهداف بخشی خود، زمانی شعار خودکفایی گندم سر می‌دهد، زمانی توسعه سطح زیر کشت مسئله اصلی‌اش می‌شود و گاهی مانع سیاست‌های وزارت نیرو در تغییر نوع مصرف آب کشاورزی برای تامین آب صنعت می‌شود، بدون اینکه توجهی به مشکلات و محدودیت‌های آبی کشور داشته باشد. در نتیجه مدیریت «نابه‌هم‌پیوسته» منابع آب اتفاق می‌افتد. جالب است بدانیم که امروز وزیر وقت کشاورزی در دوره سازندگی، اعتقاد دارد که طرح خودکفایی گندم یکی از اشتباهات مدیریت کشور بوده است!

ایجاد تشکل‌های آب‌بران به عنوان یکی از راه‌حل‌های مدیریت و مصرف بهینه آب کشاورزی، نیز می‌تواند از حوزه‌هایی باشد که نیازمند رویکرد اجتماعی است. زیرا پایه و پیش‌زمینه آن مشارکت مردمی است که یک موضوع اجتماعی می‌باشد. مشارکت آب‌بران در این تشکل‌ها بدون شناخت جوامع محلی و روستایی به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بدون لحاظ کردن شرایط و نظام بهره‌برداری سنتی و بومی این جوامع، به خوبی اتفاق نمی‌افتد. از آنجا که ایجاد تشکل‌های آب‌بران به نوعی وارد شدن افراد در یک کنش متقابل با همدیگر و نیز رابطه متقابل با نهادهای دولتی می‌باشد، لذا مشارکت واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که در همان مراحل اولیه مطالعه و طراحی یک پروژه، دولت سراغ مردم /کشاورز برود. مردمی که در مراحل مطالعه و تهیه نقشه‌های اجرایی و عملیات ساخت مشارکت داشته باشند، نسبت به سازه و طرح نیز تعلق خاطر خواهند داشت و در نگهداری و بهره‌برداری از آن مشارکت بهتری خواهند نمود. شواهد تاریخی حاکی از آن است که در اغلب روستاهای ایران، کشاورزان از دیرباز به طور سنتی مشارکت و همکاری در توزیع و تقسیم آب داشته‌اند که نظام‌های سنتی تحت عنوان «بنه» شکلی از این همیاری و مشارکت است. اما بعد از انجام اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ و با ورود و مداخله دولت در نظام بهره‌برداری آب کشاورزی در روستاها شکل سنتی مدیریت آب به هم خورد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که بدون توجه به ارتباط متقابل بین مدیریت آب و ساختار کلان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و بدون بهره‌گیری از مبانی و رهیافت‌های حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی در برخورد با مشکلات و چالش‌های آب کشور، حل این مشکلات دشوار خواهد بود و بنابراین به نظر می‌رسد به پارادایم جدید» مدیریت اجتماعی منابع آب «در مدیریت آب کشور نیاز داریم.

آیا پول خوشبختی می آورد؟ (قسمت پایانی)

کنید بخشی از پول تان را خرج دیگران بنمایید، چون این شیوه ای است که شما را خوشحال تر و شاد تر خواهد کرد.

یک سازمان غیر انتفاعی که بوسیله معلمان مدارس کم درآمد دولتی در آمریکا پایه ریزی شده، وب سایتی با عنوان DonorsChoose.org ایجاد کرده اند و پروژه هایی را بر روی این وب سایت قرار می دهند، مثلاً معلمی اعلام کرده بود «من می خواهم کتاب داستان ها کل بری فین را به بچه های کلاسم درس بدهم و این کتاب را نداریم»، یا معلمی نوشت «من یک میکروسکوپ می خواهم که به دانش آموزان، علوم درس بدهم ما میکروسکوپ نداریم» مراجعه کنندگان به سایت می توانند این اقلام را تهیه کرده، برای مدارس بفرستند. معمولاً معلمین و دانش آموزان یک نامه تشکر آمیز برای آن فرد خیر می فرستند. گاهی عکسی از خودشان را در حالی که از میکروسکوپ استفاده می کنند در سایت قرار می دهند. این کار فوق العاده ای است تا ما کمتر به این فکر کنیم که چگونه می توان پول مان را برای خودمان خرج کنیم، بلکه به این فکر می کنیم که با ۵ دلار یا ۱۵ دلار، چه چیزی می توانیم برای دیگران انجام دهیم؟ با خود فکر کنید! اگر به این شکل بیاندیشید حتماً خوشحال تر خواهید بود.



مورد بعدی مسئله باور است. باور سنگ بنای هر حرکت ما است. باور باید واقعی، پویا و دینامیک باشد. باور هم باید مانند تکامل سمت و سوی مثبت داشته باشد. بسیار رایج است که می گویند «انسان باید به یک چیزی باور داشته باشد» این حرف غلط و خطرناکی است. چون انسان باید فقط به چیزهای خوب و منطقی باور داشته باشد و نه به هر چیزی. تمام فجایع تاریخ به دست باورمندان اتفاق افتاده که به عقاید و رفتار خود باور و ایمان خلال ناپذیری داشته اند، ولی باور آنها دارای سمت خوب و مفید نبوده. مهم نیست که برخی از اوقات کارهای که به آنها باور دارید به نتیجه نرسد، چون حتماً دلایلی وجود داشته که بعداً آن دلایل را باید شناسایی و از آن عبرت بیاموزید. در هر صورت برای رسیدن به نتیجه مطلوب ما باید به کاری که می خواهیم انجام دهیم باور داشته باشیم.



دو رقصنده/ اثر: هنری ماتیس

های شرکت، آن هایی که پول را برای یک فعالیت گروهی روی هم گذاشتند، نسبت به کسانی که پول را در جیب شان گذاشتند و برای خودشان قهوه یا چیزهای شبیه به آن خریدند، از راندمان فروش بالا تری برخوردار بودند. وقتی شما پولی را فقط خرج خودتان می کنید هیچ برگشتی از آن به دست نمی آورید، در واقع شما پول را از دست می دهید زیرا با آن پول، نه در خود و نه در دیگران ایجاد انگیزه نمی کنید. اما وقتی شما حتی مبلغ ناچیزی مانند ۱۵ یورو را برای اعضای تیم تان خرج می کنید، به خود و تیم تان انگیزه همکاری و مودت بیشتری می دهید، در واقع شما با یک سرمایه گذاری کوچک، برنده دست آوردی بزرگی می شوید. همان گونه که می بینیم خیلی مهم نیست با چه شیوه ای پول خود را برای دیگران خرج کنید. مسئله مهم این است که شما پول را برای خوشحالی خودتان خرج کنید. بنا بر این نیازی نیست با پول تان کار فوق العاده ای انجام دهید تا خوشحال شوید، بلکه می توانید پول تان را صرف چیزهای کوچک و کم قیمتی کنید که به شما منفعت احساسی می رساند.

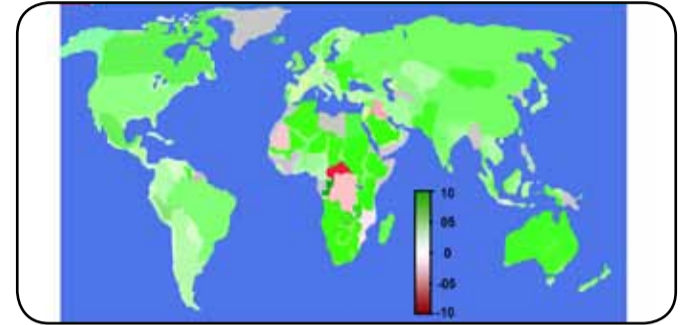
شاید به نظر برسد این مثال ها فقط در جوامع کوچک صادق است و در سیاست های کلان اجتماعی نمی تواند کار آمد باشد. برای اطمینان از صحت مطالعه اجتماعی خود، از گروه تحقیق خواستیم در مسابقات لیگ فوتبال نفوذ کنند و دقیقاً همان کاری را انجام دهند که قبلاً در جا های دیگر انجام شده بود. گروه تحقیق به تمام افراد تیم ها، پول کمی داد و از بعضی خواست پول را برای خودشان خرج کنند و به بقیه گفت پول را خرج اعضای تیم خود کنند. بعد از مدتی مشخص شد تیم هایی که پول را برای خودشان خرج کرده بودند درصد پیروزی شان مثل قبل بود، ولی تیم هایی که پول را برای هم دیگر خرج کردند، در بازی ها مسلط تر بودند و نتایج بهتری نسبت به قبل به دست آوردند.

در این آزمایش مشخص شد در تمام زمینه های زندگی شخصی، زندگی کاری و حتی ورزش های دسته جمعی، خرج کردن پول برای دیگران، از خرج کردن آن برای خود، دست آورد بزرگتری دارد.

پس یک بار دیگر یادآوری می کنیم که اگر شما فکر می کنید شادی را نمی توان با پول خرید در واقع راه درست خرج کردن آن را بلد نیستید. بهتر است از فکر کردن به این که چه کالایی بخرید تا شما را خوشحال کند، مُنصرف شوید و به جای آن تلاش

اصلی ترین بخش شکل گرفتن حس اطمینان به خود و دیگران از روز تولد تا ۱۴ ماهگی اتفاق می افتد. اگر این حس در این دوران به وجود آمد، شخص تا آخر عمرش در مواجهه با مسائل مختلف با اعتماد و اطمینان رفتار می کند. کسانی که این عنصر به اندازه کافی در شخصیت شان شکل پیدا نمی کند به هیچ کس اطمینان ندارند و فرض شان این است که همیشه دروغ و فریبی در کار است. البته قرار نیست که در یک مسابقه فوتبال طرف مقابل به دنبال استفاده از فرصت ها نباشد، ولی مادامی که از قواعد و قوانین پیروی کند ما نمی توانیم از اعمال بازیکنان تیم مقابل برداشت عدم اطمینان و اعتماد را داشته باشیم. معمولاً کسانی که به اندازه کافی اطمینان در وجودشان شکل گرفته جهان را یک گلستان می بینند که برخی از گل ها خارا دارند و بعضی از این خارها کمی ما را می آزارند، برخی دیگر ما را اذیت می کنند و ممکن است از هر یک میلیون گل یکی دارای خارهای کشنده و سمی باشد، اما کسانی که از اطمینان و اعتماد کافی برخوردار نیستند، جهان برای آنها خارستانی پُر از خارهای سمی است، فقط بعضی اوقات ممکن است برخی از خارها گل هم داشته باشد. مطمئناً انسانی هایی که جهان را گلستان می بینند، برخی از اوقات در ارزیابی هایشان دچار اشتباه می شوند و آسیب هایی می بینند. این عده ممکن است از ۸۰ سال طول عمرشان ۸ سال هم رنج و عذاب آن اشتباه ها را تحمل کنند، ولی کسانی که دنیا را خارستان می بینند در تمام طول عمرشان در رنج و عذاب هستند و از ترس برخورد با خارها، کمتر حرکت می کنند و زمین گیر می شوند. البته اطمینان همیشه از خود ما شروع می شود، آنگاه به سوی دیگران می رود. اگر کسی به خود اطمینان داشته باشد به دیگران هم می تواند اطمینان کند و اگر اطمینان شخصی نداشته باشد به هیچ کس دیگر نیز نمی تواند اطمینان داشته باشد. وقتی به انسان هایی که به خود اطمینان ندارند دقت می کنیم می بینیم هیچ کاری را به درستی شروع نمی کنند و به درستی ادامه نمی دهند و تمام نمی کنند و به تدریج تبدیل می شوند به انسان هایی مضطرب و نگران که نمی توانند از همه امکانات و نیروها و فرصت های خود به درستی استفاده کنند. اگر به هر دلیلی در ۱۴ ماه اول زندگی حس اطمینان لازم در وجود ما ایجاد نشود، ابتدا باید این نقص را متوجه شویم و قبول کنیم، آنگاه برای رفع آن و ایجاد اطمینان سعی کنیم و از متخصصان کمک بگیریم.

قسمت اول این مقاله در شماره گذشته چاپ شد، اگر مایل باشید، می توانید آن را در سایت WWW.KWCIRAN.COM در قسمت آرشیو ماهنامه پیدا کنید. ما برای این که بفهمیم رابطه بین پول و شادی در سایر کشورها چگونه است، از سازمان گالوپ خواستیم اطلاعاتی برای مان جمع آوری کنند. آن ها از مردم پرسیدند، «آیا اخیراً پولی به یک سازمان خیریه داده اید؟» سوال بعدی این بود که «به طور کلی در زندگی چقدر احساس خوشحالی می کنید؟» بر اساس اطلاعات به دست آمده، نقشه ای از کل جهان ترسیم شد. در این نقشه، رنگ سبز تیره نشان



دهنده بالاترین احساس رضایت از خرج کردن پول برای دیگران و رنگ قرمز علامت پایین ترین رضایت است. می بینید که دنیا به طرز باور نکردنی سبز است. تقریباً در تمامی کشورهای جهان، مردمی که پول به خیریه می دهند خوشحال تر از مردمی هستند که این کار را نمی کنند. تقریباً هر جایی را که نگاه می کنیم، می بینیم پول خرج کردن در جهت منافع دیگران، مردم را خوشحال تر می کند.

سوال بعدی این است که آیا پول خرج کردن برای همکاران نیز احساس رضایت می آورد. ما تصمیم گرفتیم یک تیم فروش در بلژیک را زیر نظر بگیریم. آنها به صورت تیمی کار می کنند، به خارج از شرکت می روند و به دکترها دارو می فروشند. ما به همه افراد تیم پولی دادیم و گفتیم «این ۱۵ یورو را به هر شکلی که دوست دارید، حداکثر ظرف یک هفته، برای خود یا برای دیگران خرج کنید». عده ای پول را برای خودشان خرج کردند. عده ای پول های خود را رو هم گذاشتند و عروسک بزرگ که پُر از آب نبات بود خریدند. یک روز همه را به دور عروسک جمع کردند و خیلی شوخی های با مزه با عروسک و آب نبات هایش انجام داده، در نهایت آب نبات ها را دسته جمعی خوردند و کلی خنده و تفریح کردند. جالب این بود که طبق پرونده

رازهای موفقیت (قسمت پانزدهم)

رسیدن به موفقیت کار آسانی نیست چون اگر بخواهیم شاهد موفقیت را در آغوش بگیریم، باید نکات زیادی را بدانیم و رعایت کنیم. تا کنون ۱۵ قسمت از مقاله رازهای موفقیت را برای شما چاپ کرده ایم. اگر مجموعه این مقالات را بخوانید و بتوانید به کار ببندید، شاید چراغ راهی باشد برای رسیدن به موفقیت. البته هر قسمت این مقاله چون به تشریح یک یا چند پارامتر کسب موفقیت می پردازد، به صورت جداگانه نیز قابل استفاده است. شما می توانید در صورت تمایل، شماره های قبل را در سایت www.kwciran.com قسمت آرشیو ماهنامه مطالعه کنید.

تعداد یکی دیگر از عوامل موفقیت است. اصولاً حیات به وسیله تعادل برقرار می ماند. بزرگ ترین عامل به هم ریختن تعادل نیاز است به همین دلیل انسان ها به خاطر داشتن انواع نیازها مرتباً سعی می کنیم تعادل را در اطراف خود برقرار کنند. مثلاً وقتی تشنه هستیم آب می نوشیم تا از تشنگی بیرون بیاییم. زمانی که گرسنه ایم غذا می خوریم تا گرسنگی ما بر طرف شود و به تعادل برسیم. شاید بیش از ۹۰ درصد وقت انسان ها در خدمت ایجاد تعادل است. این جستجوی تعادل با سه شیوه دنبال می شود. یا تعادلی به هم خورده و ما سعی می کنیم آن را دوباره برقرار کنیم، مانند زمانی که بیمار می شویم و در پی معالجه خود هستیم. یا تعادلی وجود دارد و ما سعی می کنیم آن را حفظ کنیم، مانند زمانی که سالم هستیم و با رعایت خوراکی و پوشاک خود سعی می کنیم این سلامت را حفظ کنیم و بالاخره تعادلی که می دانیم در آینده بر هم خواهد خورد و ما خودمان را برای آن آماده می کنیم، مانند زمانی که پول خرج می کنیم و باید برای جبران مخارج کوشش کنیم.

یک مفهوم دیگر برای رسیدن به موفقیت تکامل است. زمانی که ما از یک مرحله به مرحله دیگری می رویم تکامل پیدا می کنیم. مثلاً زمانی که درس کلاس اول را به خوبی آموختیم به کلاس دوم می رویم، کلاسی که درس آن را بلد نیستیم و باید بیاموزیم، این یک نوع تکامل است. البته سمت و سوی تکامل باید همیشه به طرف بهتر شدن، آگاه تر شدن، ترقی کردن و در مجموع در جهت مثبت باشد.

مورد بعدی مسئله اطمینان است. اطمینان سنگ بنای شخصیت هر انسان است.

تحلیل اخبار آب

تهدید بی آبی برای تهران جدی است

مقامات وزارت نیرو می گویند میزان ذخایر آبی کشور کاهش یافته و کاهش بارندگی ها، خشکسالی و در نتیجه افت ذخیره پشت سدها باعث شده تا برخی مناطق کشور از جمله پایتخت در شرایط جدی تنش آبی و بحران قرار بگیرند. در حال حاضر، ۷۹ درصد توان ذخیره سدهای تهران خالی از آب مانده است، از این رو مقامات آبفای تهران هشدار داده اند در صورت باقی ماندن این شرایط و عدم تغییر رفتار مصرفی ۸/۵ میلیون نفر ساکن تهران، ممکن است این کلانشهر در تابستان امسال جیره بندی آب را تجربه کند.

سرانه مصرف آب هر شهروند تهرانی؛ روزانه ۳۲۰ لیتر

یک مقام مسئول در وزارت نیرو گفت: ۳۲۰ لیتر سرانه مصرف آب در شهر تهران بسیار زیاد است و باید در این رابطه مدیریت تقاضا انجام شود. اواخر بهمن ماه امسال نیز ستار محمودی قائم مقام وزیر نیرو با اعلام اینکه ایران در بدترین سال بارندگی قرار دارد، تهران و ۷ شهر دیگر کشور در مرز هشدار بی آبی دانست و گفت: اصفهان، تهران، بندرعباس، مشهد، قم، شیراز، اهواز و آبادان شهرهایی هستند که از نظر وضعیت آبی به مرز هشدار رسیده اند.

خبرآنلاین

ذخیره آب تهران در شرایط بحران قرار دارد

نعمت‌الله ترکی معاون برنامه‌ریزی استانداری تهران از قرارگیری شرایط ذخایر آب پایتخت در بدترین حالت ۴۶ سال گذشته خبر داد و گفت: حجم آب مصرفی پایتخت نشینان دو برابر استاندارد جهانی است. وی گفت: در سال ۸۰ مصرف آب تهرانی‌ها ۹۷۰ میلیون متر مکعب بود اما این مقدار به یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون متر مکعب در سال جاری رسیده که مخازن آب را در مرحله هشدار قرار داده است. وی اضافه کرد: این کاهش در حالی ثبت شده که بر اساس آخرین آمار، مصرف آب تهران نسبت به استاندارد جهانی دو برابر است. لذا به شهروندان تهرانی توصیه می شود در مصرف آب بی‌رویه اعم از شستشوی خودرو، حیاط و غیره رعایت کنند.

ایسنا

ماهنامه KWC هر چند مدیریت کشور از جمله مدیریت آب در دوره جدید واقع بینانه تر از گذشته عمل می کنند و حقایق را هر چند در سطح محدود، با مردم در میان می گذارند، ولی آنگونه که از لابلای خبر ها دریافت می شود، برای شرایطی که خود مقامات وزارت نیرو آن را «شرایط جدی تنش آبی و بحران» می نامند، ظاهراً برنامه ای مدون و فکر شده، در

دست اجرا وجود ندارد. چون اگر چنین برنامه ای به شکل جدی و کار ساز وجود داشت، اثری از آن باید تا کنون در سطح اجتماع دیده می شد.

یک مقام مسئول در وزارت نیرو می گوید، «۳۲۰ لیتر سرانه مصرف آب در شهر تهران بسیار زیاد است»، ولی نمی گوید این رقم باید به ۱۵۰ لیتر برسد و نمی گوید این اتفاق چگونه باید تحقق پیدا کند. معاون برنامه‌ریزی استانداری تهران به عنوان پیشنهاد عملی و راه حل می گوید «به شهروندان تهرانی توصیه می شود در مصرف آب بی‌رویه، اعم از شستشوی خودرو، حیاط و غیره رعایت کنند.» آیا این تمام کاری است که قرار است برای کنترل مُصل آب انجام شود. اگر فردا تمام اهالی تهران حیاط و ماشین خود را نشویند آیا مشکل کمبود آب کنترل می شود. اگر کلان شهرهایی که از آن نامبرده شده «در تابستان امسال جیره بندی آب را تجربه کنند.» پی آمد های اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی بزرگی خواهند داشت که شاید هنوز بعضی از مردم و مسئولان ابعاد آن را نمی شناسند و آن را جدی نمی گیرند. ابعاد مشکل فرا تر از این هشدار ها و راهنمایی ها و نصیحت های تکراری است که فقط در تبلیغات و اطلاع رسانی خُرد قابل استفاده است. اما زمانی که ابعاد یک مسئله تبدیل به بحران می شود، حل مشکل احتیاج به برنامه ای چند بُعدی، فکر شده و عزمی ملی دارد.

چه تصمیمی برای ۳۰ در صد آبی که در شبکه آب رسانی گم می شود، گرفته شده؟ تا زمانی که هزینه آب هر خانوار به صورت جداگانه قابل محاسبه نیست، آیا می توان امیدوار به صرفه جویی خود جوش مردم بود؟ چه فکری برای میلیون ها لیتر آب تصفیه شده که به وسیله فلاش تانک های پُر حجم و یک مرحله ای روزانه تبدیل به فاضلاب سیاه و روانه توالت ها می گردد، اندیشیده شده؟ وقتی می شود با استفاده از دوش های کم مصرف تا ۵۰ درصد در مصرف آب استحمام که پُر مصرف ترین بخش خانگی است صرفه جویی کرد، تا چه زمانی مردم باید از دوش های پُر مصرف و آبشاری استفاده کنند؟ وقتی یک ابقشان استاندارد که قیمت زیادی هم ندارد می تواند تا ۳۰ درصد در مصرف آب دستشویی و آشپزخانه صرفه جویی کند آیا فکری برای تهیه و توزیع آن بین مردم شده است؟ آیا ترویج شیر فشاری که تا ۴۰ درصد و شیر اتوماتیک که تا ۷۵ درصد مصرف آب را کاهش می دهند در برنامه کار مدیران آب کشور قرار دارد. صدا و سیما چه نقشی را در این اطلاع رسانی و فرهنگ سازی می خواهد به عهده بگیرد؟ آیا بنا دارد ترویج فرهنگ استفاده بهینه از آب را به عنوان یک کار تجاری در نظر بگیرد و از وزارت نیرو برای این فرهنگ سازی پول تبلیغات دریافت کند؟ سوال های زیادی در این زمینه مطرح است که فعلاً پاسخی برای آن دیده نمی شود.

به همین سادگی و به سرعت، با کمی هزینه که ظرف چند ماه به دلیل صرفه جویی مستهلک شد، این مجتمع مسکونی ۱۵ درصد در مصرف آب صرفه جویی کردند. بیا باید به جای تهدید به فکر راهکار باشیم. راه زیاد است، انجام اش احتیاج به همت دارد.

فشان، فلاش تانک های دوزمانه، شیر های فشاری یا اتوماتیک می تواند در کاهش مصرف بسیار موثر باشند. **باز یافت آب**

استفاده از آب باز یافت شده و ایجاد تصفیه خانه فاضلاب با رعایت اصول بهداشت برای استفاده در آبیاری فضای سبز خانه و یا شهر و همچنین استفاده های صنعتی.

هدایت آب برای برگشت به محیط زیست

اکوسیستم های طبیعی مانند تالاب ها کمک زیادی به هوادهی، فیلتراسیون و تصفیه آب می کند. با این حال، آنها یک ظرفیت محدود برای انجام این کار دارند. ما نباید از واژه فاضلاب استفاده کنیم زیرا که فاضلاب با کمی مراقبت و درمان می تواند به آب جدید و قابل استفاده تبدیل شود. باید اطمینان حاصل کنیم که آب های خاکستری، قهوه ای و سیاه به درستی تصفیه و باز یافت و مورد استفاده مجدد قرار گیرد، سپس به محیط زیست بازگردانده شود. انتشار آب باز یافت شده در محیط باید مطابق با ظرفیت واقعی زیست محیطی نسبت به جذب آلاینده ها باشد.

نظارت و ارزیابی

- اطمینان از این که بهترین اصول در عمل اجرا می شود. نظارت به طور منظم، ارزیابی و کنترل مستمر می تواند در بهبود مدیریت منابع آب و حفاظت از آن تاثیر داشته باشد.

نوآوری

سرمایه گذاری در بهره وری بیشتر از آب با روش هایی مانند کاهش نشت، کمک به مخترعین و پژوهشگران، نوآوری بهره وری مصرف آب در فضای سبز یا کسب و کار، توسعه منابع آب های سطحی و آب های زیرزمینی، آب شیرین کن و استفاده مجدد از فاضلاب و آب های سطحی

استرالیا بیش از ۱۰ سال است که در چارچوب طرح ملی آب، منابع و مصارف آب را تحت کنترل دارد و مرتباً از شرایط تجربه پیدا کرده و روش های خود را روز آمد می نماید.



اخبار KWC

حضور KWC در نمایشگاه تبریز



نوزدهمین نمایشگاه بین المللی ماشین آلات، لوازم و مصالح ساختمانی از ۱۶ الی ۱۹ اردیبهشت در محل نمایشگاه بین المللی تبریز در سالن پروین اعتصامی برگزار شد. آقایان مهشیدفر و اکبری نمایندگان شرکت KWC و صاحبان بازرگانی والا و سپهر در شهر تبریز اقدام به برگزاری غرفه KWC در نمایشگاه نمودند که مورد بازدید مصرف کنندگان و انبوه سازان تبریزی قرار گرفت.



سردبیر: شهریار بدیعی

گرافیک: احمد غلامی

عکس: الهه طلوعی

لینوگرافی و چاپ: آرنا

تهیه شده در مشار ایران ۸۸۸۲۲۸۶۰

moshariran@yahoo.com

استفاده از مطالب ماهنامه بدون ذکر ماخذ، بلا مانع است

شمارگان کاغذی: ۴۵۰۰ نسخه شمارگان الکترونیک: ۲۳۰۰ ایمیل

راه های مقابله با کم آبی در استرالیا

مشکل آب در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد و خیلی از مجامع بشری اقدامات موثری در جهت مدیریت آب انجام داده اند که می تواند تجربیات آنها مورد استفاده ما قرار گیرد. در این شماره اقدامات کشور استرالیا مورد بررسی قرار گرفته است.

استرالیا طبق آمار و با در نظر گرفتن استانداردهای بین المللی، یکی از بحرانی ترین شرایط آب را در



دنیا دارد، به همین دلیل از منابع آبی باید بسیار عاقلانه استفاده کند. در بین قاره ها، استرالیا کمترین حجم آب رودخانه و کمترین آبگیرهای دائمی را دارد. بارندگی و شرایط آب و هوایی در استرالیا بسیار متغیر و هوا به طور طبیعی خشک و غبار آلود است. در استرالیا تعداد کمی دریاچه های آب شیرین دائمی وجود دارد، که عمق اندکی دارند. این دریاچه ها مهم ترین منابع آبی قابل استفاده در صنعت و معدن و همچنین جوامع انسانی هستند.

مردم استرالیا، باید مصرف آب های سطحی شامل رودخانه ها و آب های زیر زمینی را چون محدود و غیر قابل تجدید هستند به خوبی

مدیریت و از آنها مراقبت کنند تا این منابع پایدار تر شوند، از جمله می توان اجتناب از مصرف بی رویه، کنترل کیفیت آب و مراقبت از اکوسیستم را نام برد. مصرف خالص آب در بخش کشاورزی ۶۵ درصد در بخش صنعت و معدن ۲۳ درصد و بخش خانگی ۱۱ درصد است. در دهه اخیر آبیاری برای کشاورزی افزایش زیادی داشته، ولی مقدار آب رودخانه هادر بعضی از فصول به شدت کاهش می یابد که دلیل آن ساخت و ساز سدها و کنترل ضعیف استفاده از آب های زیر زمینی و رودخانه ها است.

متوسط مصرف آب در استرالیا حدود ۲۹۰ لیتر است. این عدد بین ۴۹۳ لیتر در غرب استرالیا و ۲۲۱ لیتر در ویکتوریا متغیر است. با زیاد شدن جمعیت در دهه گذشته بر مصرف آب افزوده شده و در حال حاضر بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک نیازمند پیدا کردن منابع آبی جدید هستند. در سال ۱۹۹۲، نخست وزیر استرالیا پیش نویس استراتژی ملی توسعه پایدار آب را در دولت تصویب کرد. در سال ۱۹۹۴، شورای دولتی استرالیا یک چارچوب استراتژیک برای اصلاح صنعت آب تنظیم نمود که رتوس آن عبارت بود از ۱- اصلاح قیمت گذاری مبتنی بر کنترل مصرف ۲- شفاف سازی،

کاهش یا حذف یارانه آب ۳- روشن نمودن حقوق مالکیت آب ۴- تخصیص آب لازم به محیط زیست ۵- اتخاذ روش های تجاری در آب ۶- مشاوره های عمومی و مشارکت مردم. این سر فصل های برای اظهار نظر به تمام ایالت ها فرستاده شد. سر انجام در سال ۱۹۹۵ نتایج و توافق های عملی برای دسترسی به آب تمیز و امن در سراسر استرالیا، تبدیل به یک طرح ملی و شامل ۷ ماده شد.

- قانونی شفاف مبتنی بر برنامه ریزی آب و بهبود شیوه های مدیریتی آب

- تکمیل و بازگشت همه سیستم ها به مسیر سازگاری با محیط زیست

- حذف تدریجی موانع تجاری در آب و تسهیل گسترش و تعمیق تجارت آزاد آب.

- تنظیم خط مشی در راستای بالا بردن راندمان و نوآوری در مصرف آب شهری و روستایی

- ایجاد حسابداری آب که قادر به پاسخگویی نیازهای اطلاعات، برنامه ریزی، نظارت و مدیریت زیست محیطی در سیستم های آب باشد.

- سازگاری با شیوه های که در جوامع مختلف برای استفاده بهینه از آب تاثیر گذار است.

- به رسمیت شناختن اتصال بین منابع سطحی و زیرزمینی به عنوان یک منبع واحد

این شورا توافق کرد که اقدامات مورد نیاز در همه حوزه های قضایی، جهت دستگیری و مجازات تخریب گران منابع طبیعی به خصوص در بخش آب انجام شود.

در این طرح ملی جنبه های مختلف مدیریت آب بررسی و طبقه بندی شده که اصول آن از این قرار است.

مدیریت فعال تقاضا

روش های متنوعی برای کاهش مصرف آب و بالا بردن راندمان. هر چند وسایلی هستند که به شکل چشمگیری می توانند به کاهش مصرف آب کمک کنند، با این حال تغییر رفتار جمعی مردم برای جلوگیری از مصرف بی رویه آب لازم است، مانند جلوگیری از شستشوی حیاط و پارکینگ، دوش گرفتن طولانی و آبیاری چمن در گرمای روز.

استفاده از مشوق ها

نقش اصلی این کار پاداش دادن به کسانی است که آمادگی پذیرش طرح ملی آب را دارند، مانند دادن کارت تخفیف کاواش برای شستشوی اتومبیل، دادن ابزار و وسائل ارزان به کسانی که از آب خاکستری و ذخیره آب باران به عنوان یک منبع جایگزین برای شستشوی توالت و آبیاری باغچه استفاده می کنند.

اجتناب از مصرف بی رویه آب

با استفاده از عایق ها، ایجاد سایه بان و تهویه طبیعی برای خنک کردن خانه ها، استفاده از کمپوست خشک برای گیاهان و طراحی فضای سبز یا گیاهان مناسب، می توان در مصرف بهینه آب موثر باشد.

کاهش مصرف آب

کاهش مقدار آب توسط نصب و راه اندازی دستگاه های کارآمد، مانند دوش های کم مصرف آب